

# حقوق بین الملل بشر در آستانه‌ی قرن بیست و یکم\*

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی\*\*

مقدمه

پرفسور بادوان در فرهنگ حقوق بین الملل، "حقوق بین الملل بشر"<sup>۱</sup> را چنین تعریف کرده است:

"حقوق بین الملل بشر یا حقوق اساسی نوع بشر، عبارت است از مجموعه‌ی امتیازاتی که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است. فلسفه‌ی وجودی حقوق بین الملل بشر، اعتلای منزلت این حقوق بوده است، تا آنکه با رعایت موازین آن در سراسر جهان، همه‌ی افراد به صورتی یکسان از این امتیازات بهره‌مند گردند."<sup>۲</sup>

---

\* یادآوری: ساختار اصلی این مقاله قبلاً به صورت سخنرانی ایراد شده و مجله «وکالت» آنرا در شماره ۳-۲ سال ۱۳۷۹ بدون اجازه مؤلف چاپ و منتشر نموده است.

\*\* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

1- International Humain Rights Law=International Humain Rights.

۲- دکتر هدایت ا... فلسفی، جایگاه حقوق بشر در حقوق بین الملل معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، تابستان ۷۵ تا زمستان ۷۵، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۵۷، به نقل از:

به بیان دیگر، حقوق بین‌الملل بشر، عبارت است از مجموعه‌ی قواعد حقوق بین‌الملل که موجد حقوق و امتیازاتی برای انسانها در سطح جهانی و منطقه‌ای است. این نظام حقوقی، متضمن یک سلسله قواعد حمایتی از حقوق و آزادیهای افراد و گروههای انسانی در سطح بین‌المللی است. هدف حقوق بین‌الملل بشر، حمایت بین‌المللی عام یا خاص از حقوق بشر در قلمرو جهانی و منطقه‌ای می‌باشد. امروزه با تحول در مفهوم حقوق بشر، این حقوق به عنوان "حقوق میراث مشترک جهانی" شناخته شده است. حتی پرفسور مک دوگال آن را "حقوق بین‌الملل کرامت انسانی"<sup>۱</sup> نامیده است.

مطالعه‌ی حقوق بین‌الملل بشر معمولاً در این زمینه‌ها انجام می‌شود: حقوق بشر، حقوقی بشردوستانه (که حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است)، مداخله‌ی بشردوستانه و اقدامات بشردوستانه که شامل کمکهای انسان دوستانه غیر نظامی است.

موضوع این گفتار، به هیچ وجه بررسی کلیه جنبه‌های حقوق بین‌الملل بشر نمی‌باشد، بلکه صرفاً نگرشی است خاص و محدود به برخی از زمینه‌های مطالعه‌ی این شاخه از حقوق بین‌الملل در آستانه‌ی قرن بیست و یکم میلادی.

بنابراین کل مطالب این مقاله در چهار بخش زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مبحث اول - بررسی وضعیت موجود

مبحث دوم - موانع جهانی شدن حقوق بشر

مبحث سوم - اهم رویدادهای اخیر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشر

مبحث چهارم - ارزیابی کلی

## مبحث اول

### بررسی وضعیت موجود

در بررسی وضعیت موجود حقوق بین‌الملل بشر، لازم است تفکیکی به صورت زیر انجام گیرد:

- قسمت اول - وضعیت قواعد موجود
- قسمت دوم - وضعیت نهادهای موجود
- قسمت سوم - نسل سوم حقوق بشر

### قسمت اول - وضعیت قواعد موجود

#### الف - تورم هنجارها<sup>۱</sup>

پرفسور دوپوئی (پی.یرماری) معتقد است که امروزه حقوق بین‌الملل بشر دچار تورم هنجارها شده است<sup>۲</sup>، زیرا بیش از ۷۰ سند بین‌المللی، اعم از معاهدات، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها، چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای در زمینه‌ی حقوق بشر وجود دارد.

تورم هنجارها از یک سو، مسأله هماهنگی و پیوستگی را در زمینه‌ی حمایت از

1- Normative Inflation.

2- Pierre - Marie Dupuy, Droit international Public, 2edition / 1998 / P.205.

حقوق مشابه پیش می‌آورد و از سوی دیگر خطر تعارض میان برخی از آن حقوق را که واقعی هم هستند، مطرح می‌کند. از این رو، سعی در عقلانی کردن و هماهنگ ساختن حقوق بشر شده است. (از جمله قطعنامه‌ی ۴۱/۱۲۰ مجمع عمومی ملل متحد مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶).<sup>۱</sup>

این خطر (یعنی خطر تعارض)، با افزایش روبه‌تزايد عهدنامه‌های منطقه‌ای موازی بیشتر شده است.<sup>۲</sup>

### ب - سلسله مراتب حقوق بشر

آنچه واضح و مسلم می‌نماید، این است که حقوق و آزادیهای بشری را نباید بر سلسله مراتب مبتنی کرد، یعنی برخی را بر برخی دیگر مرجح دانست. قائل شدن به سلسله مراتب حقوق بشر بر قضاوت ارزشی استوار است و تا حدودی دارای خصوصیت ذهنی و تحول‌پذیری می‌باشد، مگر در مواردی که به طور صریح در برابر جهان شمولی یا جهانی شدن قرار گیرد.<sup>۳</sup>

با این حال و به رغم تأیید تقسیم‌ناپذیری اصل اعتبار یکسان حقوق بشر، کشورها کلیه حقوق و آزادیهای انسانی را در یک سطح نمی‌دانند. بررسی حقوق بین‌الملل موضوعه، حاکی از آن است که برخی از آنها نسبت به برخی دیگر از اولویت برخوردارند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آنها را نقض کرد. از جمله حقوق مقرر در ماده‌ی ۳ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در مورد حقوق بشر دوستانه در مخاصمات غیر بین‌المللی و یا بند ۲ ماده‌ی ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ که باید در همه جا و تحت هر شرایطی رعایت شوند و به هیچ وجه تخلف از آنها مجاز نیست. از جمله این حقوق می‌توان از حق زندگی، آزادی تن، حق احترام به تمامیت جسمانی، حق برخورداری از رفتارهای انسانی، حق برخورداری از شخصیت حقوقی، آزادی فکر، وجدان و مذهب نام برد. (بند ۱ ماده‌ی ۶ و مواد ۷، ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸ میثاق مذکور)

1- Ibid

2- Ibid

3- Ibid. p. 206.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی امریکا در نیکاراگوئه در ۱۹۸۶، برای قواعد موجد حقوق مذکور، ارزش و اعتبار آمره قائل شده است.<sup>۱</sup> (رای مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶، بند ۲۱۸ ص ۱۱۳، مجموعه‌ی آراء) در همین مورد، دیوان در نظریه‌ی مشورتی در قضیه‌ی مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در ۱۹۹۶ اعلام داشت: "بدون تردید تعداد زیادی از قواعد حقوق بشر دوستانه قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه برای احترام به فرد بشری و ملاحظات اولیه‌ی بشر دوستانه، جنبه‌ی بنیادین دارند." (نظریه‌ی مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، بند ۷۹)<sup>۲</sup>.

به طور کلی، رویه‌ی بین‌المللی حاکی از شناخت اولویت حقوق مدنی و سیاسی نسبت به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

البته دیوان بین‌المللی دادگستری در گذشته در قضیه‌ی بارسلونا تراکشن در ۱۹۷۰، حقوق اساسی نوع بشر را از جمله تعهدات عام الشمول (Erga omnes) دانسته که در مقابل کلیه کشورها قابل استناد است.

اما اینکه واژه "اساسی" در عبارت مذکور، چه حقوقی را نسبت به سایر حقوق بشر متمایز می‌کند، دقیقاً مشخص نیست. در این باره، مطالعه‌ی اسناد بین‌المللی مربوطه نیز نمی‌تواند ما را به پاسخی متقن رهنمون سازد، زیرا واژه "اساسی" در برخی از آن اسناد، از جمله منشور ملل متحد آمده، حال آنکه فرضاً در میثاق‌های بین‌المللی ۱۹۶۶ ذکری از آن به میان نیامده است.

در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که بتوان حقوق و آزادی‌های بشر را به دو دسته تقسیم کرد. دسته‌ای از آنها حقوق اساسی و بنیادینی هستند که رعایت آنها عام الشمول بوده و نقض آنها مجاز نمی‌باشد و قواعد موجد آن حقوق، از سوی جامعه‌ی بین‌المللی در کل به عنوان قواعد تخلّف‌ناپذیر (یعنی قواعد آمره‌ی حقوق بین‌الملل عام) به رسمیت شناخته شده‌اند. (ماده‌ی ۵۳ عهدنامه‌ی ۱۹۶۹ حقوق معاهدات) اما دسته‌ی دوم، به رغم الزامی بودن، در سطح قواعد آمره نمی‌باشند. در نتیجه، حقوق اساسی بشر مقدم بر سایر انواع حقوق بشر است.

1- Ibid.

2- Ibid. p. 209.

### ج - اصل رعایت حقوق اساسی بشر و سایر اصول حقوق بین‌الملل

منظور از اصول حقوق بین‌الملل، سلسله قواعد هنجاری و بنیادینی هستند که جنبه عام الشمول (erga omnes) دارند و بعضاً به مرحله قواعد آمره ارتقا پیدا کرده‌اند. برخی از اصول حقوق بین‌الملل با اصل رعایت حقوق اساسی بشر همسو بوده و در واقع احتمال تقابل میان آنها وجود ندارد و یا بسیار بعید به نظر می‌رسد. از جمله اصل وفای به عهد، اصل حسن نیت و مخصوصاً اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود. اما برخی دیگر از اصول حقوق بین‌الملل ممکن است بنا به مورد در تقابل با اصل رعایت حقوق اساسی بشر قرار گیرند. نمونه بارز آن، اصل احترام به حاکمیت و اصل عدم مداخله است. اینجاست که اصول مذکور در مقابل حقوق اساسی بشر رنگ می‌بازند و اقتدار خود را از دست می‌دهند. در این باره، به رغم مقررات صریح بند ۷ ماده‌ی ۲ منشور ملل متحد که سازمان ملل را از دخالت در مواردی که اساساً در قلمرو صلاحیت داخلی کشورهاست منع کرده و در واقع با این مقرره، تا حدود زیادی بدون قید و شرط، بر احترام به هر دو اصل حاکمیت و عدم مداخله مهر تأیید زده است، اما امروزه جامعه‌ی بین‌المللی نمی‌تواند شاهد نقض آشکار حقوق بنیادین انسانی در یک کشور باشد و به دلایلی چون احترام به حاکمیت و عدم مداخله، سکوت اختیار کند و واکنشی نشان ندهد. به قول آقای کوفی انان دبیر کل ملل متحد در اجلاس اخیر مجمع عمومی، کشورها نباید به بهانه‌ی داشتن حق حاکمیت در قلمرو خویش، حقوق بشر را نقض کنند. از این رو می‌توان اذعان نمود که بند ۷ ماده‌ی ۲ منشور، دیگر شمولیت گذشته‌ی خود را از دست داده است و سازمان ملل، به ویژه شورای امنیت، با رویه‌ی مستمر و یکنواخت خود گام در عرصه‌ی جدیدی گذارده که تا دیروز در قلمرو انحصاری کشورها بود.

مداخله‌ی بشر دوستانه، تجلی بارز این تحدید حدود است. اقدام بین‌المللی که مشروعیت آن از دیدگاه حقوق بین‌الملل اختلافی و بحث‌انگیز است، زیرا تا به امروز در حقوق بین‌الملل موضوعه قاعده‌ای وجود ندارد تا به انگیزه‌ی نقض فاحش حقوق بشر در یک کشور، به سایر کشورها اجازه نقض حاکمیت و مداخله نظامی در امور داخلی کشور نقض‌کننده‌ی حقوق بشر داده شده باشد. مداخله‌ی نیروهای ناتو در بحران

کوزوو، نمونه‌ی نمادین مداخله‌ی نا مشروع، با بهانه‌ی بشر دوستانه است. (بعداً نیز به این موضوع خواهیم پرداخت) شاید از این روست که شورای امنیت، اقدامات مداخله‌گرایانه خود و یا تجویز مداخله‌ی بشر دوستانه را تحت پوشش "تهدید صلح و امنیت بین‌المللی" انجام می‌دهد و بدین وسیله میان نقض حقوق بشر و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی پل ارتباطی ایجاد می‌کند.

#### د - مسائل شکلی قواعد موجود

مقصود از مسائل شکلی قواعد موجود حقوق بین‌الملل بشر، مسائلی چون عضویت، حق شرط و کناره‌گیری از معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر است.

##### ۱- عضویت در معاهدات

در مورد عضویت در معدودی از معاهدات عام، استقبال شایان توجهی به عمل آمده است، به طوری که فرضاً تا اول ژوئیه ۱۹۹۸، ۱۴۰ کشور به میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ۱۳۷ کشور به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ۱۵۰ کشور به عهدنامه‌ی امحای کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی ملحق شده‌اند.

##### ۲- حق شرط در معاهدات

اصولاً طبق ماده‌ی ۱۹ عهدنامه‌ی حقوق معاهدات، کشورها به هنگام امضا، تصویب یا الحاق به یک معاهده، مجاز به انشای حق شرط نسبت به آن هستند، مگر آنکه آن معاهده این عمل را منع کرده باشد.

بنابراین امروزه بسیاری از کشورها، معاهدات مربوط به حقوق بشر را به دلیل عدم ممنوعیت انشای حق شرط، با حق شرط پذیرفته‌اند و این خود مانعی در راه جهانی شدن حقوق بشر ایجاد کرده است. (بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت)

### ۳- کناره‌گیری از معاهدات

در برخی از معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، تحت شرایط خاصی، اجازه‌ی کناره‌گیری وجود ندارد و البته منع هم نشده است. (از جمله در میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر)

حال این سؤال مطرح است که آیا می‌توان از این گونه معاهدات کناره‌گیری نمود؟ بر خلاف برخی از حقوقدانان ایرانی که تحقق این امر را در صورت سکوت یک معاهده بعید نمی‌دانند<sup>۱</sup>، به نظر می‌رسد که این عمل نقض آشکار عهدنامه‌ی حقوق معاهدات باشد، زیرا طبق بند ۲ ماده‌ی ۴۲ آن، "...کناره‌گیری یک طرف (معاهده)، تنها طبق مقررات همان معاهده یا عهدنامه‌ی حاضر انجام می‌گیرد...."

لازم به یادآوری است که منظور از مقررات عهدنامه‌ی حاضر، مقررات ماده‌ی ۵۶ عهدنامه‌ی حقوق معاهدات است که به موجب آن، معاهده‌ای که در آن کناره‌گیری پیش‌بینی نشده است، نمی‌توان از آن کناره‌گیری نمود، مگر مسلم شود که طرفین قصد داشته‌اند امکان کناره‌گیری را بپذیرند و یا حق کناره‌گیری را بتوان از ماهیت معاهده استنباط نمود. (بند ۱)

قصد طرفین و ماهیت معاهدات مربوط به حقوق بشر، به گونه‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان به مجوز کناره‌گیری از آنها حکم داد.

### قسمت دوم - وضعیت نهادهای موجود

منظور از نهادهای موجود، سازمانهای بین‌الدول یا غیر دولتی هستند که وظیفه‌ی حمایت و اعتلای حقوق بشر را از طریق تهیه و تنظیم قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و عهدنامه‌ها و نیز مراقبت و نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل، و رسیدگی به موارد نقض آن را در سطح جهانی و منطقه‌ای بر عهده دارند. علاوه بر سازمان ملل متحد و برخی از سازمانهای تخصصی وابسته به آن، از جمله سازمان بین‌المللی کار، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی که در کنار سایر وظایف خود، حمایت و

۱- دکتر حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۷۰.



اعتلای حقوق بشر را نیز بر عهده دارند، ارگانهای دیگری نیز در سطح جهانی یا منطقه‌ای وجود دارند که اختصاصاً به مسأله حقوق بشر می‌پردازند. اکثر نهادهای جهانی حقوق بشر تحت پوشش نظام ملل متحد قرار دارند (چه ناشی از معاهدات و چه براساس منشور یا تصمیم ارکان سازمان).

مهمترین این نهادها عبارتند از: کمیسیون حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق بشر، کمیساریای عالی حقوق بشر، مرکز حقوق بشر، کمیسیون رفع تبعیض نژادی، کمیسیون مقام زن و بالاخره کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان. البته در سطح منطقه‌ای نیز ارگانهایی این وظیفه را بر عهده دارند، از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر و یا دادگاه امریکایی حقوق بشر.

در کنار سازمانهای جهانی و منطقه‌ای بین‌الدول، سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی نیز نقش ارزنده‌ای در حمایت و اعتلای حقوق بشر در سطح جهانی ایفا می‌کنند. امروزه بیش از ۱۲۰ سازمان بین‌المللی غیر دولتی، کمیسیون حقوق بشر را در امر رسیدگی به مسائل حقوق بشر یاری می‌دهند. از جمله این سازمانها می‌توان از سازمان عفو بین‌الملل، سازمان دیده‌بان حقوق بشر و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نام برد. بسیاری از سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی در چارچوب منشور ملل متحد و تصمیم شورای اقتصادی و اجتماعی، به عنوان مشاور با این شورا همکاری می‌کنند.

### قسمت سوم - نسل سوم حقوق بشر

امروزه یکی از انواع تقسیمات حقوق بشر، تقسیم آن به حقوق نسل اول، حقوق نسل دوم و حقوق نسل سوم است.

حقوق مدنی و سیاسی، نسل اول حقوق بشر. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نسل دوم حقوق بشر و حقوق همبستگی، نسل سوم حقوق بشر است.

واژه "نسل سوم" ترجمه فرانسوی Troisième Génération و انگلیسی Third Generation است که شاید بهتر باشد به جای واژه "نسل سوم" از واژه "طبقه سوم" استفاده شود.

حقوق نسل سوم مجموعاً سه موضوع را در بر می‌گیرد: حق توسعه، حق زیستن در صلح و حق داشتن محیط زیست سالم. این حقوق در کنفرانس صلح و حقوق بشر که در ۱۹۷۸ در اسلو بر پا گردید بسیار مورد بحث قرار گرفت.<sup>۱</sup>

برخی از دانشمندان حقوق بین‌الملل، از جمله پرفسور کوک دین، حقوق نسل سوم را حقوق همبستگی نامیده و معتقد است که این حقوق، یک حقوق ترکیبی "Droit synthétique" است، یعنی تحقق پیوند بسیار نزدیک میان حقوق بشر و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی<sup>۲</sup>.

در همین زمینه، آقای پطرس غالی (دبیر کل سابق ملل متحد) در برنامه‌ای برای صلح و توسعه در ۱۹۹۴ می‌گوید: "فقر، نقض حقوق بشر و توسعه نیافتگی، عواملی هستند که در عدم ائتلاف جوامع و انفجار خشونت شدیداً مداخلت دارند. در حالی که ملل متعددی برای تأمین توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی خود به بحث و گفتگو مشغول‌اند. همگان در پی تأسیس ساختارهای سیاسی ماندگار هستند. ساختارهایی که به ویژه در بحرانها آسیب پذیرند."<sup>۳</sup>

با توجه به نکات مذکور، حقوق نسل سوم را می‌توان سرآغازی برای تحول در مفهوم حقوق بشر در آستانه‌ی قرن بیست و یکم دانست.

۱- کنفرانس‌های دیگری نیز به موضوع بررسی نسل سوم حقوق بشر پرداخته‌اند، از جمله کنفرانس کمپوبلو "compobello" در ۱۹۷۹، کنفرانس ورشود در ۱۹۸۰، کنفرانس ۱۹۸۲ در هاید پارک، به نقل از: محمود مسائلی، نسل جدید حقوق بشر، مجله سیاست خارجی، ش ۱، سال ششم، بهار ۱۳۷۱، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص ص ۱۷۰ و ۱۷۷.

2- N. Quoc Dinh, Droit International Public, 5e, edition, 1994, p.640.

3- B.Boutros - Ghali, Pour la Paix et Le Developpement, 1996 PP. 123-124.

## مبحث دوم

### موانع جهانی شدن حقوق بشر

به طور کلی، موانع جهانی شدن یا جهان شمول شدن حقوق بشر را نمی‌توان در تائید اصولی آن حقوق دانست، بلکه در اجرای مؤثر آن حقوق است.<sup>۱</sup> امروزه در مجموع شاید بتوان موانع و مشکلات جهانی شدن حقوق بشر را به چهار دسته تقسیم نمود: موانع عقیدتی و فرهنگی، موانع سیاسی، موانع اقتصادی و بالاخره موانع فنی.

#### الف - موانع عقیدتی و فرهنگی

موانع عقیدتی یا ایدئولوژیکی ناشی از ثبات جریانات فکری بسیار گوناگون در زمینه‌ی نظریه‌ی کلی حقوق بشر است.<sup>۲</sup> نظریاتی چون نظریه‌ی غربی حقوق بشر، نظریه سوسیالیستی ملهم از مارکسیستی حقوق بشر و نظریه‌ی اسلامی حقوق بشر. آقای کوفی انان در سخنرانی که به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در ۱۹ آذرماه ۱۳۷۶ (برابر با ۱۰ دسامبر ۱۹۹۷) ایراد کردند، ضمن تائید اصولی حقوق بشر جهانی، به نوعی به موانع عقیدتی و فرهنگی در اجرای آن حقوق اشاره نمودند. ایشان در قسمتی از سخنان خود فرمودند: "فقط در شرایطی که حقوق بشر به طور مساوی به مورد اجرا گذارده شود، می‌توان آن را حقوقی قلمداد کرد که به طور جهانی مورد قبول قرار گرفته باشد. این حقوق را نمی‌توان به طور منتخب یا به گونه‌ای نسبی به اجرا گذارد."<sup>۳</sup>

1- P.M. Dupuy, op. cit. P. 120.

2- Ibid.

۳- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران.

### ب - موانع سیاسی

متأسفانه برخورد گزینشی برخی از ارگانهای کنترل کننده و تضمین کننده‌ی حقوق بشر (مانند کمیسیون حقوق بشر)، مانعی عظیم در راه جهانی شدن حقوق بشر است. آقای کوفی انان در سخنرانی سابق الذکر به این مطلب نیز اشاره دارند و می‌گویند: "حقوق بشر را نمی‌توان گزینه‌ای اجرا کرد و یا از آن به عنوان سلاحی برای تنبیه دیگران استفاده نمود. خلوص این حقوق، اقتدار ابدی آن است."<sup>۱</sup>

### ج - موانع اقتصادی

موانع اقتصادی در راه جهانی شدن حقوق بشر واقعیتی بسیار تلخ و تأسف بار است. کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه که قادر نیستند نیازهای اساسی مردم خود، از جمله خوراک، و بهداشت اولیه را تأمین و بیسوادی را رفع نمایند، چگونه می‌توانند زمینه‌ی اجرای حقوق بشر را فراهم سازند. در اینجا باید بر این نکته انکارناپذیر تأکید نمود که میان بالا رفتن سطح توسعه و تضمین حقوق بشر، پیوندهای واقعی وجود دارد.<sup>۲</sup> پیوندهای میان حقوق توسعه و حقوق بشر.

از دیدگاه کشورهای در حال توسعه، حقوق خلقها (مخصوصاً حق حاکمیت بر منابع طبیعی) و حقوق بشر کاملاً وابسته به یکدیگرند.<sup>۳</sup>

### د- موانع فنی

دو مانع مهم فنی در راه جهانی شدن حقوق بشر وجود دارد. یکی عدم کفایت تصویب کنندگان معاهدات مربوط به حقوق بشر و دیگری حق شرط نسبت به این گونه معاهدات.

۱- همان ماخذ

2- P.M. Dupuy. op. cit. p. 213.

3- Ibid.

## ۱- مانع عدم کفایت تصویب کنندگان

به رغم تعداد تصویب کنندگان بسیار در معدودی از معاهدات عام در زمینه‌ی حقوق بشر، اکثر آنها مورد استقبال چندانی از سوی کشورها قرار نگرفته‌اند.

## ۲- مانع حق شرط

مهمترین مانع فنی جهانی شدن حقوق بشر را می‌توان موضوع حق شرط دانست. عدم ممنوعیت حق شرط در معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، باعث شده تا تعداد حق شرط‌ها روز به روز افزایش یابد. فرضاً بیش از ۵۰ کشور مجموعاً حدود ۱۵۰ مورد حق شرط مهم و گوناگون نسبت به میثاق حقوق مدنی و سیاسی انشاء و اعلام کرده‌اند که در میان آنها حتی کشورهای پیشرفته‌ای چون امریکا، بلژیک و سوئیس نیز دیده می‌شود.

این امر موجب گردید تا کمیته‌ی حقوق بشر در "اظهار نظر کلی" "Observation General" شماره‌ی ۲۴ مورخ نوامبر ۱۹۹۴ در مورد محدودیتهای عینی وارده بر انشای حق شرط نسبت به میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین مقرر دارد: "آن بخش از مقررات میثاق که معرف قواعد عرفی و بین‌المللی و به طریق اولی خصیصه‌ی آمره دارند، نمی‌توانند موضوع حق شرط قرار گیرند. کمیته مخصوصاً بر ممنوعیت حق شرط نسبت به این امور صریحاً تأکید نموده است:

ممنوعیت بردگی، ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای غیر انسانی یا موهن، محرومیت خود سرانه از زندگی یا آزادی، آزادی فکر و بالاخره آزادی اجتماعات<sup>۱</sup>. کمیته در اظهار نظر کلی خود اضافه می‌نماید که "این امر به عهده‌ی کمیته است که تعیین کند، آیا حق شرط اعمال شده مطابق با هدف و موضوع میثاق می‌باشد یا خیر؟ این کار به این دلیل صورت می‌گیرد تا کمیته در اجرای وظیفه‌ی بررسی خود پی ببرد، یک کشور تا کجا و تا چه حدودی به تعهدات خود عمل می‌کند. بنابراین باید ضرورتاً انطباق حق شرط با هدف و موضوع میثاق و حقوق بین‌الملل عام انجام گیرد.<sup>۲</sup>

1- Ibid., P.210.

2- Ibid., PP. 215-216.

متأسفانه امروزه انشای حق شرط در مورد قواعد تعیین کننده‌ی اشکال مختلف کنترل بین‌المللی که در واقع آئین‌های تضمین حقوق بشر هستند، روبه افزایش است.

## مبحث سوم

## اهم رویدادهای اخیر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشر

ما در آستانه قرن بیست و یکم، شاهد برخی رویدادهای بین‌المللی هستیم که ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با حقوق بین‌الملل بشر دارند. از جمله مهمترین آنها عبارتند از: مسأله عراق، مسأله افغانستان و مسأله کوزوو. ذیلاً به نکات برجسته هر مسأله خواهیم پرداخت.

## الف - مسأله عراق

در مورد عراق، دو مسأله مرتبط با حقوق بشر مطرح است. یکی مسأله منطقه‌ای امن و پرواز ممنوع در داخل آن کشور، مقرر توسط قدرتهای بزرگ اروپا و امریکا و دیگری مسأله مداخله جهت سرنگونی رژیم آن کشور.

در مورد منطقه‌ی امن و پرواز ممنوع، دولتهای مداخله‌گر اقداماتشان را به قطعنامه ۶۸۸ مورخ ۵ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت مستند می‌کنند. طبق این قطعنامه، عراق باید زمینه‌ی کمکهای انسان دوستانه را به غیر نظامیان عراقی، مخصوصاً کردها به هر صورت ممکن فراهم کند. متعاقباً در این خصوص میان دولت عراق و سازمان ملل متحد توافقی حاصل گردید. اما در این موافقتنامه به هیچ وجه اشاره به حضور نیروهای خارجی در منطقه نشده بود.

شورای امنیت در مورد ایجاد منطقه‌ی امن و پرواز ممنوع رسماً اعلام نمود که چنین اقدامی با موافقت عراق بوده است. حال آنکه چنین مجوزی وجود ندارد. شاید مقصود شورا، موافقتنامه مذکور باشد که آن نیز مجوزی برای مداخله‌ی نظامی نیست. البته به رغم تردید بسیار در مورد اعتبار حقوقی اقدامات مذکور، این موضوع نیز در مقابل مطرح است که اگر جامعه‌ی بین‌المللی در مقابل کشتار بیرحمانه مردم بیگناه یک کشور

توسط نیروهای نظامی آن کشور، واکنشی جدی نشان ندهد، مسلماً موجودیت و بقای آن انسانها محکوم به زوال است.

مسأله دیگر مرتبط با عراق، طرح سرنگونی رژیم آن کشور از سوی برخی از کشورهاست. حال آیا اساساً چنین عملی را می‌توان منطبق با موازین حقوق بین‌الملل دانست، هر چند حکومتی مرتکب نقض فاحش و متعدد حقوق بشر شده باشد؟ سابقه چندی در این مورد وجود دارد، از جمله سرنگونی نوریه‌گا رئیس جمهور پاناما در ۱۹۸۹ توسط ایالات متحده‌ی آمریکا.

شاید بتوان در این مورد از اصل حق ملتها در تعیین سرنوشت خود استفاده نمود که بنابر آن حکومتهایی که با اعمال زور، مردم یک کشور را از این حق محروم می‌کنند باید سرنگون گردند تا موجبات تحقق یک نظام دموکراتیک و انسانی فراهم شود. اما این استدلال چندان قابل پذیرش نیست، زیرا ورود به موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت یک حکومت مربوط به خصوصیات یک دولت یا کشور است و از مقولات حقوق بین‌الملل نمی‌باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی نیکاراگوئه در ۱۹۸۶ بخوبی به این مسأله پرداخته است: "انتخاب یک ایدئولوژی سیاسی در قلمرو انحصاری کشورهاست و به کشورهای دیگر حق مداخله و اعمال فشار برای تغییر این ایدئولوژی سیاسی را نمی‌دهد."

محکومیت آمریکا در این پرونده و نیز در مجمع عمومی ملل متحد خود دلیل دیگری بر صحت ادعاست.

### ب - مسأله افغانستان

در وضعیت خاص افغانستان، شاهد تجلی بارز اشکال مختلف نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشیم، از جمله بدرفتاری نسبت به زنان و کودکان، بدرفتاری نسبت به اقوام مختلف، کشتار جمعی، گروگان‌گیری، قاچاق مواد مخدر و بالاخره نقض مصونتهای دیپلماتیک.



سیاست زمین سوخته توسط طالبان، از سوی شورای امنیت محکوم گردید و دبیر کل ملل متحد آن را نقض صریح حقوق بشر و عملی جنایتکارانه خواند. مجمع عمومی نیز در بیانیه پایانی آخرین اجلاس خود، اقدام طالبان را در کوچ اجباری مردم مناطق شمال افغانستان محکوم نمود.

بالاخره شورای امنیت در قطعنامه ۱۲۶۷ که در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ به تصویب رسید، اشغال کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف و قتل مأموران و خبرنگار ایرانی را نقض آشکار حقوق بین‌الملل اعلام کرد و ضمن درخواست استرداد اسامه بن لادن به کشوری که وی را تحت تعقیب قرار داده، نقض حقوق بشر در مورد زنان و اقلیتهای مذهبی و قومی افغانی را محکوم کرد. شورای امنیت با تعیین ضرب الاجل ۲۳ آبان ماه ۱۳۷۹ برابر با ۱۴ نوامبر ۱۹۹۹ جهت اخراج تروریست‌ها و تعطیلی پایگاههای آموزش تروریست‌ها، مجازات‌هایی، از جمله توقیف دارائی‌های متعلق به طالبان، ممنوعیت هرگونه پرواز هواپیما و هلی‌کوپتر بر فراز افغانستان و محاصره‌ی اقتصادی را وضع نمود.

### ج - مسأله کوزوو

در بحران کوزوو چندین مسأله پیش آمد که به نحوی مربوط به نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌باشد. به طور نمونه، کشتار قومی و کوچ اجباری آلبانیایی تبارهای کوزوو توسط صربها و در مقابل مداخلات نظامی و به اصطلاح بشر دوستانه نیروهای ناتو به حمایت از آلبانیایی تبارها، آنهم بدون مجوز شورای امنیت. استدلال ناتو در این باره، اعاده‌ی نظم و امنیت به اروپا، به ویژه منطقه‌ی بالکان، جلوگیری از گسترش بحران به کشورهای همجوار یوگسلاوی، حمایت از اقلیت‌های قومی و مذهبی و بالاخره تأمین آزادی و امنیت برای مردم کوزوو بود. در قضیه‌ی کوزوو می‌توان موارد نقض متقابل حقوق بشر را از سوی طرفین درگیری، یعنی ناتو و دولت یوگسلاوی مورد مذاقه قرارداد. ناتو با مداخلات خودسرانه، به نام «بشر دوستانه» مرتکب نقض فاحش حقوق بشر دوستانه، از جمله بمباران افراد و مناطق

غیر نظامی گردید. در مقابل، دولت یوگسلاوی، به بهانه تعدیل حاکمیت و تمامیت ارضی، خود مختاری ایالت کوزوو را لغو و حقوق و امتیازات خاص مردم آن ایالت را باطل اعلام کرد و به این ترتیب باعث خیزش ساکنان آلبانیایی تبارها شد و متعاقباً برخوردهای نظامی دولت مرکزی با استقلال طلبان کوزوو آغاز گردید، تا بدانجا که کشتارهای قومی یا پاکسازی قومی و مهاجرت‌های دسته جمعی آلبانیایی تبارها از کوزوو را به همراه داشت.

در مجموع، از این قضیه شاید بتوان چنین استنباط نمود که شورای امنیت با سکوت خود در قبال اقدامات ناتو و نیز دادن مجوزهای بعدی به ناتو، به گونه‌ای بر این اقدامات مهر تأیید زده است.